

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیژن نیابتی  
۱۳ دسمبر ۲۰۱۳

## یادداشت سیاسی : ماندلا ، نماد ارزشی گلوبالیسم

دو روز پیش مراسم یاد بود نلسون ماندلا رهبر فقید افریقای جنوبی برگزار شد. رهبران بیش از ۹۰ کشور جهان برای ادای احترام به نقش و جایگاه او در صفحه مختصات سیاست جهانی به صف ایستاده بودند. هرکس به نحوی از انحاء تلاش می کرد که خود را با او تعریف کند ، با او محک زده شود و خلاصه او را "پرچم" کند. ماندلا مثل هر آدم دویای دیگری مجموعه ای بود از خوبی ها و بدی ها ، زشتی ها و زیبایی ها ، اشتباهات و دستاوردها و خلاصه کرده ها و ناکرده ها ! نقد او تنها زمانی منصفانه خواهد بود که او را نیز در تمامیتش ارزیابی کرد . در اینجا اما مرا سر ارزش گذاری زندگی پر فراز و نشیب او نیست . چرا که مسأله اساسی در رابطه با او نه آنچه هست که در گذشته کرده است بلکه آن چیزی است که قرار است با اتکاء به "پرچم" او در آینده صورت پذیرد . پرچمی که هم اینک در کف با کفایت نمایندگان "نظم نوین جهانی" و بر فراز تابوت او به اهتزاز در آمده است. از این به بعد ماندلا دیگر تنها یک رهبر متوفا نیست ، نماد یک "گفتمان" است. گفتمان عدم خشونت ، گفتمان سازش طبقاتی، گفتمان حفظ نظم حاکم ، در یک کلام گفتمان نفی انقلاب. با این پرچم ، این ستمدیدگانند که می باید ستمکاران را ببخشند. این شکنجه شدگانند که می باید شکنجه گران را ببخشند . این ارتش بینوایان است که باید در نقطه انفجار بر خشم خود مهار زند و حرمت "نظم" را نگهدارد . نگاه کنید که به سخنان بارک حسین در مراسم بزرگداشت ماندلا :

"اوباما درستایش از برک عمیق و انسانییت ماندلا گفت که او "نه تنها زندانی بلکه زندانبانان را هم آزادی بخشید" و یادآور شد که او از زندانبانان سابق خود خواست تا در مراسم تحلیفش به عنوان میهمانان گرانقدر حضور یابند . بارک اوباما گفت که ماندلا زبان و فرهنگ دشمنان خود را فرا گرفت تا روزی بتواند به آنان تفهیم کند که بقای آنان مستلزم آزادی برای همگان است. رئیس جمهوری امریکا گفت که ماندلا مانند هزاران شهروند سیاهپوست و رنگین پوست افریقای جنوبی، از شرایط زندگی خود به خشم آمد اما توانست خشم خود را مهار بزند."

آری این است چکیده سخنان بزرگترین "فریب هزاره سوم". این است پیام واضح آن پرچمی که به اهتزاز در آمده است. این "شرایط زندگی" هزاران شهروند سیاهپوست و رنگین پوست افریقای جنوبی و به تبع آن ارتش میلیاردی گرسنگان و محرومان نیست که باید عادلانه شود ، نه ، نه ! کارکرد این پرچم تنها خنثی کردن و مهار آن خشم بنیانسوزی است که حاصل و پی آمد طبیعی و البته محتوم همان "شرایط زندگی" مذکور است. اوباما این را هم گفت که از ماندلا الهام گرفته

است. او راست می گوید چرا که در عمل و در تمامی دوران ریاستش بر قوه مجریه تنها ابر قدرت جهان ، همواره تلاش کرد تا مثل ماندلا و با الهام از او "زبان و فرهنگ" دشمنانی همچون نظام مقدس جمهوری اسلامی را فرا بگیرد تا روزی بتواند به آنان تفهیم کند که بقای آنان مستلزم همراهی و همگامی با "نظم نوین جهانی" است. از همه مشمئزکننده تر توصیفات جناب "تسهیل کننده" سیاستهای امریکا و سخنگوی نظم نوین یعنی «بان کی مون» در رابطه با ماندلاست. او با اشاره به این که "ماندلا یکی از بهترین آموزگاران جهان بود" او را غول عدالت و قهرمان می خواند و اضافه می کند که "هیچ کس به اندازه او در عصر ما برای پیشبرد آمال و ارزشهای سازمان ملل کار نکرده است".

"نلسون ماندلا" بی تردید دستاوردهای بزرگی داشته است ، بزرگترین آنها جلوگیری از یک جنگ داخلی خونین و یک تصفیه نژادی دهشتناک بود. آنها در شرایطی که خشم توده های زجرکشیده اما جاهل و انتقامجو در شرف انفجاری محتوم بود. این چیز کمی نیست. اما هر چیز را اگر بتوان بر پرچم او آویخت ، عدالت را با هیچ سریشمی نمی شود به این پرچم چسباند و اورا غول عدالت نامید. در دوران حاکمیت اوشکاف عظیم طبقاتی در افریقای جنوبی همچنان به قوت خود باقی ماند و سیاستهای ضد بشری بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به اجراء درآمد. حاکمیت سرمایه سفید حفظ شد و آپارتاید سیاسی و نژادی از بالا به متن جامعه انتقال یافت.

مخاطبان ماندلا بیش از آن که در پائین باشند در بالا قرار داشتند. مخاطبان او صاحبان قدرت بودند. فشار از پائین ، چانه زنی در بالا بسی زبیده پرچم اوست. به این اعتبار پرچم او پرچم انقلاب مخملی هم هست. گفتمان او گفتمان "گذار مسالمت آمیز" در جامعه در حال انفجار است. در این گفتمان بالاترین ارزش "حفظ نظم" است. عجیب نیست که هم نئوکانه و مترسک سابقشان جرج دبلیو بوش می توانند خود را با او تعریف کنند و هم بارک حسین و جناح کبوترهایش! آن یکی می خواست "نظم نوین" را با زور بمب و موشک محقق کند و این یکی از سوئی با پهبادهایش در پشت صحنه و از سوی دیگر با فریب و تزویر و مذاکره در جلوی صحنه. به هر تقدیر آنچه جنبه حیاتی دارد همین "حفظ نظم" است. بزرگترین ویژگی ماندلا که او را الهام دهنده سه رئیس جمهور حاضر ایالات متحده و چند دوجین از رهبران منتخب و نامنتخب دیگر کرده است همین کارکرد او در پروسه گذار بوده است.

کاری که با میراث ماندلا دارند می کنند یک گفتمان سازی آشکار است. این را باید نشانه گرفت. مستقل از شخصیت خود نلسون ماندلا. هرکس که موفق شود گفتمان خود را در جامعه حاکم کند نبرد را می برد. به این اعتبار آنچه را هم که باید هدف گرفت همین گفتمان های انحرافی است. اینکار را در هر جنبشی و در هر کجای این کره خاکی باید کرد. بدون گفتمان و بدون پرچم نه می توان مبارزه کرد و نه می توان پیروز شد.

در جریان "جنبش سبز" و در مقابل "گفتمان اصلاحات" هم جز این نبود. در آنجا من تلاش کردم که در مقابل آن جنبش کدائی ، جنبش آلترناتیو یعنی "جنبش سرخ" را به میان الیت جامعه ببرم. در آنجا می بایست گفتمان آلترناتیو یعنی "گفتمان سرنگونی" را اشاعه داد و مهمتر از آن "نماد جنبش" و پرچم آن را مشخص کرد.

"ندا" نماد جنبش سبز بود. من در مقابل "صبا" را پرچم کرده بودم. گفته بودم که ویژگی ندا آقاسلطان این بود که او بی صاحب بود ، به همین دلیل هم هر لوش و لجنی می توانست که مدعی او باشد و مدعی او نیز شدند. نمی خواهم مقایسه کنم ، چرا که ندا با ماندلا اساساً قابل مقایسه نیست. اما اگر در مثل مناقشه نباشد ماندلا هم بی صاحب بود. راز میراث بردن بازیگران چپ و راست صحنه سیاست بین المللی در همین نکته نهفته است.

ماندلا را می خواهند تبدیل به نماد ارزشی گلوبالیسم کنند. نماد آزادی بی قید و شرط حرکت کلان سرمایه مالی یعنی همانی که او هرگز علیه کارکردهای جنایتکارانه آن در ابعاد جهانی موضع نگرفت و سد راه آن نشد. قرار است که او نیز همچون گاندی نماد خشونت ستیزی گردد. اعمال خشونت و قهر در حیطه اختیارات نظامهای حاکم است ، به ویژه آن

که از صندوقهای رأی هم بیرون آمده باشند. دفاع درمقابل اعمال خشونت ضابطان قانون نه تنها موجه نیست ، جرم هم محسوب می شود و مجازات دارد.

آری این "پرچم" است که باید هدف قرار داده شود. این "پرچم" است که باید به زیر کشیده شود. پرچم سازش طبقاتی، پرچم انطباق فعال با "نظم نوین"، پرچم نفی مبارزه انقلابی و نبرد قهرآمیز . در مقابل این پرچم می بایست پرچم "عدالت اجتماعی" را بلند کرد. پرچم مشروعیت "مبارزه و نبرد قهرآمیز" ، پرچم مقاومت در برابر ظلم ، پرچم انسانیت به صلیب کشیده شده ، در یک کلام پرچم انقلاب.

بیژن نیابتی ، ۲۱ آذرماه [قوس] ۱۳۹۲